

ارزیابی طرح ناحیه محوری در مناطق شهر تهران با تاکید بر منطقه ۱۵ بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶^۱ آرش قربانی کونانی^۲

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

علی نوری کرمانی^۲

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۲۱

چکیده

در راستای تمرکززدایی از ساختار مدیریت شهری تهران، از طریق مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و خدمات در سطح کلان (منطقه) و مجموعه‌ای در سطح خرد (محله)، سیاست ناحیه محوری شهرداری تهران برای تغییر ساختار متمرکز قبلی و ایجاد فرآیند مدیریتی غیرمتمرکز به دنبال ایجاد پیوند بین محلات و ارائه خدمات فرا محله‌ای به شهروندان مطرح گردید. در ارتباط با موضوع ناحیه محوری، منطقه ۱۵ شهر تهران که تاکنون در این زمینه در این منطقه تحقیقی انجام نشده است، به عنوان نمونه انتخاب شد. در واقع این پژوهش در جهت بررسی ابعاد طرح ناحیه محوری در ۴ بعد، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فرهنگی در نواحی ۷ گانه منطقه ۱۵ شهر تهران، انجام گرفت. روش تحقیق در دو سطح کتابخانه‌ای (بررسی کتب، پیشینه مطالعاتی و اسناد مربوط به طرح) و میدانی (پرسش‌نامه (پیمایش) و مصاحبه با شهرداران نواحی، شورایاران و شهروندان) صورت گرفته است. نتایج شاخص‌های تحقیق، به صورت توصیفی-تحلیلی و استفاده از آمار استنباطی پرداخته شده‌اند. متغیر مورد مطالعه در این پژوهش شامل، ارزیابی ابعاد طرح ناحیه محوری می‌باشد. این تحقیق دارای ۲ پرسشنامه است، پرسشنامه اول در رابطه با شهروندان و در نواحی ۷ گانه منطقه ۱۵ شهر تهران و دومین پرسشنامه در خصوص مدیران شاغل در شهرداری و نواحی منطقه می‌باشد. با توجه به استنباطی بودن پژوهش، برای سنجش متغیرها از ۲ فرضیه استفاده شده است؛ که میان دو جامعه آماری، یکسان می‌باشد؛ نتایج آنها از طریق آزمون تی تک نمونه‌ای و آزمون تحلیل واریانس یکطرفه انجام شد؛ نتایج حاکی از آن است که از نظر هر دو گروه شهروندان و مدیران، فرضیه شماره ۱ تایید شد؛ از نظر هر دو، ابعاد اجتماعی و کالبدی بیشترین تاثیر را در این طرح داشته‌اند. فرضیه شماره ۲، در پرسشنامه شهروندان مورد تایید قرار نگرفت، اما در پرسشنامه مدیران تایید شد. از نظر مدیران، بیشترین تاثیرپذیری را از این طرح، نواحی ۴، ۳، ۵ و ۱، داشته‌اند.

واژگان کلیدی: تمرکز زدایی، ناحیه محوری، شهرداری تهران

۱- این مقاله مستخرج از رساله دکتری آرش قربانی کونانی می‌باشد.

۲- (نویسنده مسئول) alinourikermani@yahoo.com

مقدمه

امروزه اداره امور شهری به دلیل پیچیدگی‌های ناشی از خواسته‌ها و نیازهای فزاینده شهروندان و ملزومات دنیای امروز با چالش‌های زیادی روبه‌رو است. با وجود اینکه نظام مدیریت شهری ایران با توجه به ساختار کلی سیاسی - اداری تمرکزگرای ایران با مولفه‌های رهیافت نوین مدیریت شهری، فاصله بسیاری دارد، اما در چند سال اخیر اغلب دست اندرکاران و مسئولان حداقل در گفتار به اهمیت تغییر روند تمرکزگرا به یک روند تعاملی و تمرکز زدا و مشارکت جویانه معترف بوده و به ویژه در شهر تهران، رویکردی مشارکت جو، شفاف، پاسخگو و تعاملی، خصوصا در بدنه اجرایی سیستم مدیریت شهری دنبال شده است. در واقع در سال‌های اخیر سعی شده است برای حل مشکلات ناشی از تمرکزگرایی، با رویکرد تمرکز زدایی، ساختار مدیریت شهری دستخوش تغییر و تحول گردد. بدین منظور با سپردن امور محلی و کوچک به واحدهای خرد سعی می‌شود تا نظام مدیریتی کارآمد شود. نتایج حاصل از این امر در گام اول ارتقاء مردم سالاری، با حذف فاصله بین دستگاه‌های دولتی و مردم است و در گام بعدی، واحدهای محلی با گرفتن اختیارات بیشتر، از لحاظ اقتصادی به منابع محلی متکی شده و از نظر اجتماعی نیز ناگزیر از توجه به خواست و مشارکت مردم خواهند بود. به همین خاطر در سال‌های اخیر، الگوهای جدیدی از مدیریت شهری مبتنی بر محله محوری شکل گرفته و با استفاده از سازوکارهایی مثل تشکیل شورایی‌ها در سطح محلات در راستای تمرکز زدایی از ساختار مدیریت شهری تهران حرکت شده است. تا از این طریق مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و خدمات در سطح کلان (مناطق) و مجموعه‌ای از خدمات در سطح خرد (محله) ارائه شود و با نزدیک کردن سطح مدیریت شهری به سطح محلی و مردم، خدمات مورد نیاز شهروندان بهتر سنجیده شود و در نتیجه خدمات کمی و کیفی ارائه شده به شهروندان توسط شهرداری ارتقا یابد و ضمن کاهش بروکراسی، مشارکت شهروندان به منظور نیل به مدیریت کارا و اثر بخش جلب شود. براساس طرح جامع شهر تهران، سلسله مراتب سازمان فضایی این شهر، از ۵ سطح شهر و فراتر، حوزه، منطقه، ناحیه و محله تشکیل شده است. بر همین اساس سازمان مدیریتی شهرداری تهران از سه رده شهرداری تهران، شهرداری‌های مناطق و شهرداری‌های نواحی شکل گرفته است (فنی و صارمی، ۱۳۸۷: ۹۹).

ناحیه چهارمین رده نظام تقسیمات شهری است که بر اساس پوشش جمعیتی تقریبی ۴۰ الی ۷۰ هزار نفر تعریف می‌گردد. تعداد کل تقسیمات ناحیه‌ای موجود محدوده تهران معادل ۱۲۳ ناحیه می‌باشد. هر ناحیه دارای یک مرکز ناحیه بوده و متشکل از چند محله است (رضویان، ۱۳۸۱: ۲۵).

از جمله اهداف مهم طرح ناحیه محوری: تمرکززدایی در شهرداری تهران، واگذاری مسئولیت و اختیارات به نواحی، توجه به دقت، سرعت، صحت و کیفیت در ارائه خدمات به شهروندان، تحقق مدیریت محله‌ای، افزایش رضایتمندی مردم، توسعه مشارکت مردم در اداره امور شهر، احیای محله‌ها و اجتماعی کردن شهرداری، رسیدگی بهتر و سریعتر به مشکلات مردم، تقویت الگوی توسعه پایدار شهری با رویکرد محله محوری، اعتمادسازی به عنوان مهمترین سرمایه شهرداری و نگاه سیستمی بر مدیریت شهری ذکر شده است.

با توجه به هدف اصلی تحقیق که ارزیابی طرح ناحیه محوری در زمینه اثر بخشی و کارایی ارائه خدمات مطلوب به شهروندان می‌باشد به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که طرح ناحیه محوری در زمینه ارائه خدمات مطلوب به شهروندان و ایجاد هماهنگی بین سطوح مختلف مدیریت شهری و پیوند بین محلات تا چه حد موفق بوده و در این

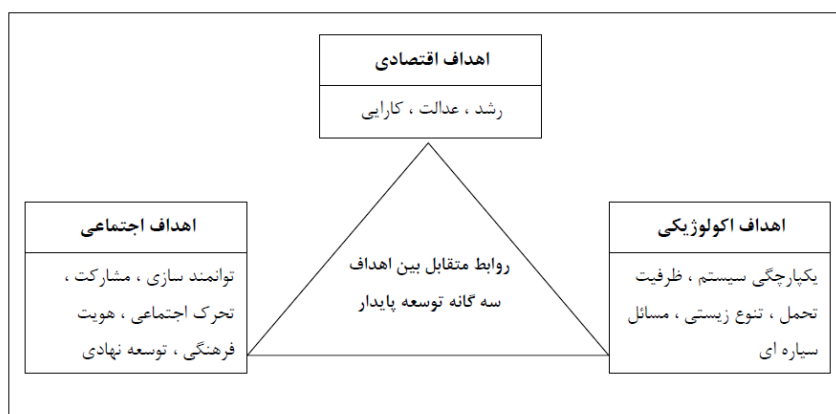
مسیر با چه مشکلاتی رو به رو است و همچنین سعی شده است، میزان رضایت شهروندان در استفاده از خدمات به نحو مطلوب تحلیل گردد و نتایج حاصل از طرح ناحیه محوری و میزان موفقیت آن در راستای هدف مذکور مورد سنجش قرار گیرد.

مبانی و چهارچوب نظری:

- توسعه پایدار:

با توجه به دو مفهوم توسعه و پایداری و ترکیب و تلفیق آنها می توان توسعه پایدار را چنین تعریف کرد: "توسعه پایدار توسعه ای است که نیازهای زمان حال را بدون به مخاطره انداختن قابلیت ها و پتانسیل ها برای نسل های آینده برآورده سازد" این تعریف جامع ترین و کامل ترین تعریفی است که از توسعه پایدار ارائه شده و مربوط به کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه ۱ معروف به کمیسیون برانتلند ۲ می باشد (ملکی، ۱۳۸۲: ۳۶)

در یک دید کلی، اهداف اصلی توسعه پایدار شامل اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی می باشد که دارای روابط متقابلی با یکدیگر می باشند. نمودار زیر به سه هدف کلی و روابط متقابل آنها در توسعه پایدار اشاره می کند که دیدگاه های سه گروه اقتصاددانان، جامعه شناسان و اکولوژیست ها را در بر می گیرد (شیخ الاسلامی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۴).



نمودار شماره ۱: اهداف توسعه پایدار و روابط متقابل بین آنها

منبع: شیخ الاسلامی و همکاران، ۱۳۸۸

شهر پایدار شهری است که از نظر رشد و توسعه اقتصادی، درآمدزایی و اشتغال بتواند نیازهای شهروندان را تامین نماید و از نظر زیست محیطی به وضعیت بهداشتی و سلامت شهرنشینان توجه نموده و مسائل و مشکلاتی از نظر آلودگی هوا، آب و فاضلاب و فضاهای سبز و گذران اوقات فراغت و... نداشته باشد. از سوی دیگر شهر پایدار شهری است که به جنبه های کالبدی و فیزیکی شهر و نیز توسعه بهینه آینده شهر به ویژه در بخش مسکن توجه داشته باشد و از نظر کاربری های شهری هماهنگ و منسجم عمل نماید و مشارکت شهروندان را در حل تمامی مشکلات شهری دارا باشد (بهرامی و مرصوصی، ۱۳۸۹: ۵۶).

- مدیریت شهری:

امروزه مدیریت شهری مدرن عبارت است از فرآیند ایجاد، اجرا، هماهنگی و ارزیابی استراتژی‌های یکپارچه به کمک مقامات شهری با در نظر گرفتن اهداف عملیاتی بخش خصوصی و منافع شهروندان در چارچوب سیاستی که در سطوح بالاتر حکومت برای تحقق پتانسیل توسعه اقتصادی پایدار تدوین می‌شود (برک پور و اسدی، ۱۳۹۰: ۷۹).

در دیدگاه‌های نوین نظریه پردازان مدیریت شهری، ساختار مدیریت شهری نوین بر اصول زیر استوار شده است:

- اصل تربیت شهری و آموزش شهروندی؛

- اصل نظریاتی مداوم از شهروندان؛

- اصل ضوابط مدون و منتشر شده برای آگاهی و راهنمایی شهروندان؛

- اصل رعایت بعد زمان در اقدامات و اجرای امور؛

- اصل جلب اعتماد مردمی و بخش خصوصی؛

- اصل اختیار و مسئولیت؛

- اصل بازمینی و تجدید نظر در اقدامات انجام شده و پندآموزی از تجربیات گذشته (معصومی، ۱۳۹۰: ۳۲)

در واقع با توجه به انگاره دولت حداقل و تمرکززدایی، مدیریت شهری نوین به بسیج منابع جدید از طریق توانمندسازی اجتماعات محلی برای اداره خود و مذاکره و شراکت بین بخش‌های خصوصی، عمومی و دولتی تاکید دارد و علاوه بر برنامه کالبدی، برنامه اجتماعی و اقتصادی را نیز لازم می‌داند (صرافی، ۱۳۷۹: ۸۱)

- حکمرانی شهری

حکمرانی شیوه مشارکتی تصمیم‌گیری است، در واقع فرآیند تصمیم‌سازی عمومی است که در آن حکومت با کنشگران جامعه مدنی در زمینه سیاست‌گذاری وارد گفت و گو می‌شود. تصمیم‌گیری‌ها از پایین به بالا صورت می‌گیرد و مبتنی بر اتفاق آرا و دموکراتیک است.^۱ به عبارتی "حکمرانی مجموعه تعاملاتی است که بر اساس آن کنشگران بخش عمومی و همچنین بخش خصوصی در تلاش برای حل مشکلات اجتماعی و یا ایجاد فرصت‌های اجتماعی به مشارکت می‌پردازند" (ایوانس و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹-۲۱)

"حکمرانی شهری نیز، عبارت است از مجموع روش‌های برنامه‌ریزی و مدیریت عمومی شهر از سوی افراد، نهادهای عمومی و نهادهای خصوصی و نیز فرآیند مستمری است که از آن طریق، منافع متضاد یا متعارض با یکدیگر همراه شده و زمینه همکاری و کنش متقابل فراهم می‌آید. طبق این تعریف حکمرانی شهری، هم نهادهای رسمی و هم اقدامات غیررسمی و سرمایه حکمرانی شهری به اجتماعی شهروندان را در برمی‌گیرد" (UN-HABITAT, 2006)^۱

- اصول و ویژگی‌های حکمرانی خوب شهری

هشت ویژگی از طرف UNDP UNESCO^۲ که از سازمان‌های وابسته به سازمان ملل است برای حکمرانی خوب مطرح شده است (نوبری و رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۷).

این ویژگی‌های عبارتند از:

^۱ Public Private Partnership , (PPP) , (P3)

^۲ United Nation Educational, Scientific, Cultural Organization.

مشارکت^۱: مشارکت به معنی حضور همه مردم در تصمیم گیری‌های مختلف است که هم به صورت مستقیم و هم از طریق نمایندگان و نهادهای واسطه‌ای قانونی و مشروع تحقق می‌یابد.

قانون مداری^۲: اجرای قوانین عادلانه در یک فضای بی‌طرفانه، نیازمند دستگاه قضایی مستقل و نیروی پلیس بی‌طرف و عاری از فساد است.

شفاف سازی^۳: شفافیت به معنی جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی آسان به آن برای تمامی استفاده کنندگان مربوطه است.

مسئولیت پذیری^۴: حکمرانی خوب نیازمند این است که نهادهای تصمیم گیر نسبت به تامین خواسته‌ها و تمایلات افراد احساس مسوولیت داشته باشند.

وفاق محوری^۵: حکمرانی خوب نیازمند این است که منافع و سلايق مختلف در جامعه به سمت اجماعی گسترده که بهترین و بیشترین منفعت را برای تمام اجتماع در پی دارد، هدایت کند. این مهم نیز تنها از طریق فهم و درک مفاهیم تاریخی، فرهنگی و اجتماعی جامعه قابل دستیابی است.

عدالت^۶: در حکمرانی خوب همه افراد باید از فرصت‌های برابر برخوردار باشند.

کارآمدی: مفهوم کارایی در ارتباط با حکمرانی خوب به معنی استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست نیز خواهد بود لذا موضوع بهترین استفاده از منابع با حکمرانی ارتباط مستقیم دارد.

پاسخگویی: هم نهادهای دولتی و هم بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی باید نسبت به عموم مردم و همه افراد ذی نفع پاسخگو باشند. پاسخگویی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون قابل اجرا نیست.

مجموعه این شاخص‌ها را می‌توان به عنوان دستورالعملی برای تعامل هرچه بهتر سه بخش دولت، بخش خصوصی و جامعه به معنای نوین آن تلقی کرد (رفیعیان و حسین پور، ۱۳۹۰: ۹۶-۹۵).

- مشارکت:

واژه مشارکت ۱ از حیث لغوی به معنای درگیری و تجمع برای منظوری خاص می‌باشد. "مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی، یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند." سه جزء مهم این تعریف: درگیر شدن، یاری دادن و مسئولیت است.

تازه‌ترین زمینه مشارکت "مشارکت شهروندان در اداره شهرهاست". این مشارکت یکی از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق می‌یابد که شهرنشینان از حالت فردی که صرفاً در مکانی به نام شهر زندگی می‌کنند درآیند و به "شهروند" تبدیل شوند (معصومی، ۱۳۹۰: ۲۴). افراد، در مفهوم شهروندی دارای سه حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی هستند که در قانون اساسی نیز به آن اشاره شده است و حق مشارکت از مهمترین مصادیق حقوق شهروندی است (ایپانه، ۱۳۸۵: ۲).

1. Participation

2. Role of law

3. Transparency

4. Responsiveness

5. Consensus Oriented

6. Equity-Inclusiveness

مشارکت شهروندان در مدیریت شهری فوایدی را نیز به همراه دارد از جمله:

- بسط توانایی‌های شهروندان؛
- تقویت حس تعلق اجتماعی شهروندان به شهر و زندگی شهری؛
- تقویت حس اعتماد اجتماعی شهروندان به نظام مدیریت شهری و شهرداری؛
- تقویت حس همکاری میان شهروندان و شهرداری و مدیران شهری؛
- تقویت سازوکارهای دموکراسی شهری از طریق تحقق وظایف- حقوق شهروندی و شهرداری (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۴۰).

-تمرکززدایی

تمرکزگرایی حالتی است که قدرت و اختیار تصمیم‌گیری، در یک مرجع خاص متمرکز شده باشد (ترنر، ۱۳۷۹: ۲۰۰-۱۹۹).

تمرکززدایی سبکی سازماندهی، از تقسیم قدرت و انتقال برخی از امتیازهای ویژه حکومت مرکزی یا ماموران ارشد آنها در سطح ملی به نمایندگان شوراهای مختلف که مستقل از دولت و ماموران آنها هستند، پدید می‌آید" (مقیمی، ۱۳۹۰: ۸۸).

تمرکززدایی عبارت است از انتقال یا واگذاری قدرت و اختیارات برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری یا مدیریت از دولت مرکزی به کارگزارهای وابسته به آن به سازمان‌های میدانی، واحدهای تابعه دولت، شرکت‌های عمومی نیمه مستقل، مقامات محلی، مقامات اجرایی یا سازمان‌های غیر دولتی" (قالیاف، ۱۳۸۹، ۱۴۳). به عبارت دیگر "واگذاری و انتقال مسئولیت‌های مالی، سیاسی و اداری، به سطوح پایین‌تر حکومت را تمرکززدایی می‌نامند. (Litvack, 1998)

هم چنین تمرکززدایی درصدد کاهش هزینه‌های اداری، شفاف سازی، افزایش مشارکت و پاسخگویی بیشتر به نیازهای مردم است (میدری، ۱۳۸۳: ۲۱۹). بنابراین تمرکززدایی را می‌توان به عنوان سازوکار یادگیری اجتماعی تصور کرد که فرآیند تجدید ساختار و باز ترکیب را به جلو می‌راند (همان، ۱۵۹).

پیشینه تحقیق

با توجه به جدید بودن طرح ناحیه محوری در ایران و شهرداری تهران تا کنون مطالعات محدودی در مورد آن صورت گرفته که به اختصار به آن اشاره می‌شود:

۱- عادلہ آقایی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه شهید بهشتی با مدیریت یکپارچه شهری، حکمروایی خوب مدیریت شهری با تاکید بر ناحیه محوری عنوان شهری و مشارکت را از ابعاد اصلی توسعه پایدار شهری می‌داند و بیان می‌کند که مدیریت شهری در ایران و در تهران با ادامه روند قبلی یعنی با ساختار متمرکز قادر به حل مشکلات شهری نمی‌باشد و به همین دلیل در دهه‌های اخیر برنامه‌ریزی و مدیریت سطوح خردتر (محلّه) اهمیت یافته است. اما به دلیل ضعف بعضی از قوانین مدیریت شهری در سطح خردتر، عدم وجود شوراهای مردمی به صورت سلسله مراتبی، عدم یکپارچگی برنامه‌ریزی و مدیریت محلات و مشکلات ناشی از آن مدیریت در سطح ناحیه مطرح شده است. سپس با بررسی طرح ناحیه محوری در منطقه چهار شهرداری تهران این نتیجه به دست آمده

که نقطه مثبت مدیریت شهری در این منطقه ایجاد شهرداری نواحی و نقطه ضعف آن عدم یکپارچگی محلات در سطح نواحی، عدم هم خوانی اختیارات با وظایف و عدم تشکیل شوراهای نواحی و... بوده است.

۲- مجید بیات در پایان نامه کارشناسی ارشد خود در سال ۱۳۸۹ در دانشگاه تهران با عنوان دو «نقش طرح ناحیه محوری در شهرداری تهران، شورای شهر و تحقق حکمروایی شهری» نهاد شهرداری نواحی و شورای شهر را نهادهایی با ساختار غیر متمرکز و زمینه ساز و بستر تحقق حکمرانی شهری دانسته است و نشان می‌دهد که چگونه این دو نهاد که در پی استقرار طرح ناحیه محوری در شهرداری تهران به وجود آمده‌اند می‌توانند بسترهای مناسب برای رفتن به سمت رویکرد حکمروایی خوب شهری را فراهم کنند. سپس محقق به این موضوع پرداخته که آیا در سیستم‌های حکومتی کشورهای جهان سوم، مثل کشور ما شکل گیری و تحقق حکمرانی شهری امکانپذیر است یا نه؟ و در پایان با تحلیل وضعیت شهر تهران در چارچوب مدل‌های حکمرانی نشان می‌دهد که امکان تحقق حکمرانی شهری در سطح شهر تهران وجود دارد و وجود چنین نهادهایی مثل شهرداری نواحی و شوراباری آن را تقویت خواهد کرد، به شرط اینکه خود این نهادها از اختیارات و توانایی‌های لازم برخوردار باشند.

۳- کتابون میرزائیان در پایان نامه کارشناسی ارشد خود در سال ۱۳۸۹ در دانشگاه آزاد (واحد علوم تحقیقات) با عنوان بررسی نقش اجرای طرح ناحیه محوری شهرداری تهران در "توسعه پایدار محلی" به بررسی رابطه بین اجرای طرح ناحیه محوری شهرداری تهران و توسعه پایدار محله‌ای در محلات منطقه ۵ تهران می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که اجرای طرح ناحیه محوری نقش بسزایی در توسعه پایدار شهری دارد. همچنین محقق میزان موفقیت این طرح را در منطقه ۵ و علل موفقیت و عدم موفقیت آن را نیز بررسی کرده است. در پایان محقق به این نتیجه رسیده است که بیشترین میزان موفقیت طرح در افزایش قابل ملاحظه ارتباط بین مردم و مدیران شهری، رضایت مردم از مدیریت، ارائه آسانتر خدمات به شهروندان، افزایش همکاری مردم با مسئولین محلی و افزایش مشارکت مردم در امور شهر است. کمترین میزان موفقیت طرح نیز در واگذاری امور شهری از شهرداران مناطق به نواحی است.

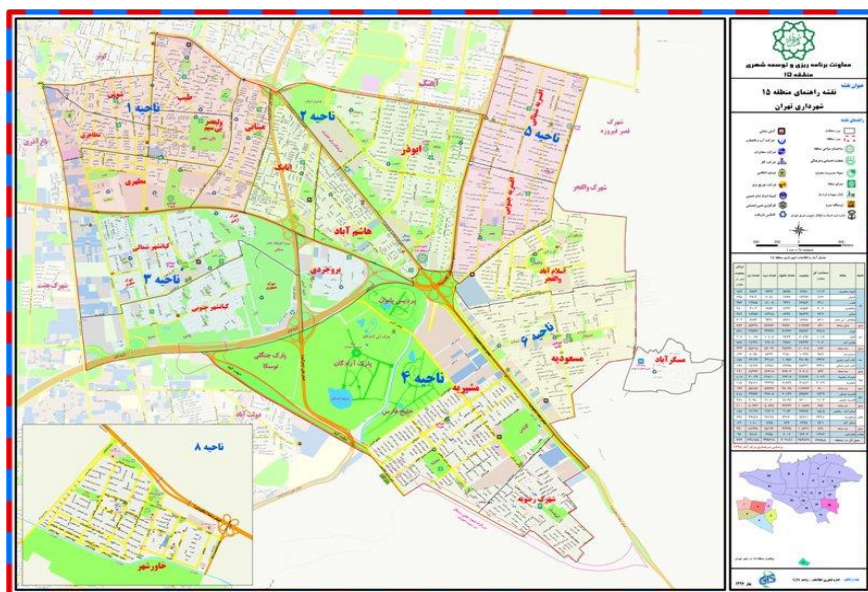
تاکنون پژوهشی درباره اثر بخشی و کارایی این طرح در ارائه خدمات مطلوب به شهروندان و میزان رضایت شهروندان از خدمات ارائه شده به ویژه در منطقه پانزده شهر تهران صورت نگرفته است.

به طور کلی می‌توان گفت در بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته درباره طرح ناحیه محوری تاکید روی مدیریت شهری و اثر بخشی آن در ارتباط با مدیریت شهری بوده است و تاکنون به اثر بخشی طرح در ارتباط با شهروندان توجه کمتری شده است. به همین دلیل در این پژوهش سعی شده است که کارایی این طرح در ارتباط با ارائه خدمات مطلوب به شهروندان مورد سنجش قرار گیرد.

محدوده و موقعیت جغرافیایی منطقه ۱۵ شهرداری تهران

شهرداری منطقه از میدان خراسان و محور شوش و دسترسی به شهر ری شکل گرفته است. منطقه ۱۵ از شمال به پادگان قصر فیروزه، ۴۵ متری آهنگ، خیابان خاوران و شوش شرقی و از غرب به خیابان فدائیان اسلام و از جنوب به خیابان دولت آباد، کوه بی‌بی شهربانو و کارخانه سیمان و از شرق به کوههای شرقی تهران و حد شرقی اراضی افسریه منتهی می‌شود. بخشی از محدوده منطقه نیز در حریم شهر واقع است. در واقع از هشت ناحیه موجود، شش ناحیه در محدوده قانونی شهر تهران و دو ناحیه در حریم استحقاظی شهر قرار دارند. مساحت حریم استحقاظی شهر

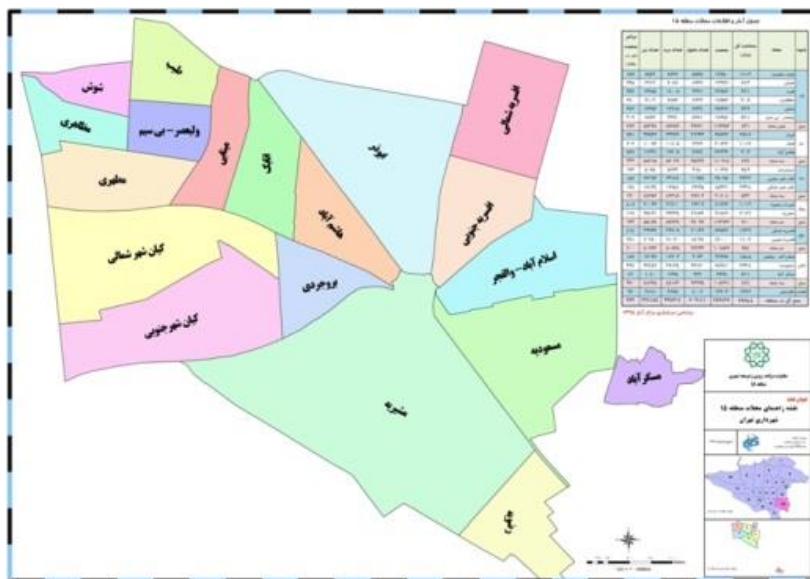
تهران در حوزه مدیریت شهرداری این منطقه بالغ بر ۱۶۵۰۰ هکتار می‌باشد که ۱۴/۶ درصد مساحت کل حریم استحفاظی شهر تهران است. پهنه این حریم از لحاظ مدیریتی و در چارچوب قانون تقسیمات کشوری در محدوده دو شهرستان تهران و ری قرار دارد. تعداد نواحی محدوده خدماتی منطقه ۱۵ شهرداری تهران بالغ بر ۷ ناحیه است که ۶ ناحیه آن در داخل محدوده شهر تهران و ۱ ناحیه دیگر (خاورشهر) در داخل حریم شهر تهران قرار دارد. تصویر شماره (۱) موقعیت منطقه ۱۵ را نشان می‌دهد.



تصویر شماره (۱) موقعیت منطقه ۱۵ در کلانشهر تهران منبع: یافته‌های پژوهش

موقعیت محلات منطقه ۱۵:

تعداد محله‌های منطقه ۱۵ در داخل شهر تهران ۲۰ محله است. تعداد محله‌های ناحیه یک ۶ محله، ناحیه دو ۳ محله، ناحیه سه ۳ محله، ناحیه چهار ۲ محله، ناحیه پنج ۲ محله، ناحیه شش ۳ محله، ناحیه هفت ۱ محله است که تصویر (۲) نقشه تقسیمات نواحی و محلات این منطقه را نشان می‌دهد.



تصویر شماره (۲): نقشه تقسیمات نواحی و محلات منطقه ۱۵ در کلانشهر تهران منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱ داده‌های آماری منطقه بر اساس نواحی، محلات نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: داده‌های آماری منطقه بر اساس نواحی

تراکم جمعیت (نفر در هکتار) بعد خانوار تعداد خانوار جمعیت مساحت (هکتار) ناحیه				
یک	۴۳۱۱۲۵۰۷	۳۸۶۰۱	۳,۲۶	۲۹۷
دو	۴۷۷۱۰۶۲۶۹	۳۲۲۳۶	۳,۲۹	۲۳۹
سه	۵۳۳ ۸۵۹۹۶	۲۴۸۵۳	۳,۴۸	۱۴۱
چهار	۷۱۰۱۱۱۰۱۳	۳۲۹۳۶	۳,۴۴	۱۵۶
پنج	۲۵۴ ۹۸۲۳۲	۳۱۰۱۵	۳,۱۸	۴۱۸
شش	۴۲۴۱۱۰۸۳۴	۳۳۴۷۸	۳,۲۹	۱۶۲
هشت	۱۳۷ ۲۷۰۰۰	۹۰۰۰	۳	۳۱۳,۶
جمع کل	۲۹۶۶,۱۶۶۴۸۵۱	۲۰۳۲۱۱۹	۳,۲۴	۲۳۷

منبع: معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهری منطقه ۱۵، ۱۳۹۵

روش تحقیق

در تحقیق حاضر، با توجه به ویژگی موضوع تحقیق، روش پیمایش^۱ مورد استفاده قرار گرفته است. پیمایش، تحقیقی است توصیفی - تبیینی که براساس نمونه‌ای تصادفی و معرف از افراد جامعه‌ی پژوهش و پاسخ آنها به یک مجموعه پرسش با استفاده از پرسشنامه، نظرسنجی و یا روشهای دیگر به مطالعه‌ی وضع موجود اعم از نگرشها، عقیده‌ها، رفتارها و به طور کلی استخراج اطلاعات درباره شرایط زندگی و مقوله‌هایی که افراد را معین و متمایز می‌گرداند، می‌پردازد (میرزایی، ۱۳۸۹، ۸۵). روش تحقیق پیش رو پیمایشی است زیرا با پرسشنامه محقق ساخته به توصیف و تبیین جامعه آماری خود خواهد پرداخت.

روش دیگری که در این تحقیق مورد استفاده قرار خواهد گرفت، روش اسنادی یا کتابخانه‌ای است که به بررسی، شاخص‌ها، نظریات و مفاهیم تحقیق می‌پردازد.

در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی هم در کنار روش پیمایش، استفاده خواهد شد. در تحقیق حاضر مبنای فرضیه‌های ساخته شده تحلیل روابط بین متغیرها و از نوع کاربردی می‌باشد.

- سوالات و فرضیات تحقیق:

- سوالات:

۱- آیا میزان تاثیرگذاری ابعاد و شاخص‌های طرح ناحیه محوری در منطقه ۱۵ شهر تهران، تفاوت معناداری وجود دارد؟

۲- میزان تاثیرپذیری نواحی ۷ گانه منطقه ۱۵ شهر تهران، از طرح ناحیه محوری چقدر است؟

- فرضیات:

۱- به نظر می‌رسد در میزان تاثیرگذاری ابعاد و شاخص‌های طرح ناحیه محوری در منطقه ۱۵ شهر تهران، تفاوت معناداری وجود داشته باشد.

۲- به نظر می‌رسد در میزان تاثیرپذیری نواحی ۷ گانه منطقه ۱۵ شهر تهران، از طرح ناحیه محوری تفاوت معناداری وجود داشته باشد.

^۱. Survey

- جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

حجم نمونه آماری، با جاگذاری در فرمول کوکران برای جامعه شهروندان، برابر ۳۸۰ نفر است و در نتیجه حجم نمونه به تفکیک هر ناحیه منطقه ۱۵ تهران، برابر ۵۵ نفر می‌باشد. محاسبه حجم نمونه به تفکیک محلات نواحی ۷ گانه منطقه ۱۵ تهران، براساس فرمول، به قرار زیر می‌باشد: ناحیه ۱، ۹ نفر؛ ناحیه ۲، ۱۸ نفر؛ ناحیه ۳، ۱۸ نفر؛ ناحیه ۴، ۲۷ نفر؛ ناحیه ۵، ۲۷ نفر؛ ناحیه ۶، ۱۸ نفر؛ ناحیه ۷، ۵۵ نفر.

حجم نمونه آماری برای گروه مدیران، برابر ۵۰ نفر می‌باشد.

نمونه شهروندان، براساس روش نمونه‌گیری تصادفی و معرف از افراد جامعه‌ی پژوهش انتخاب شده‌اند. با توجه به محدود بودن مدیران این حوزه در منطقه‌ی مورد بررسی، برای تعیین اندازه نمونه، از روش تمام شماری، استفاده شده است.

- متغیرها و شاخص‌های تحقیق

این پژوهش شامل یک متغیر "ارزیابی طرح ناحیه محوری" می‌باشد. ابعاد این طرح (متغیر) شامل: بعد اجتماعی (شاخص‌ها: احساس تعلق، مشارکت، پیوندهای همسایگی، اعتماد اجتماعی) بعد اقتصادی (شاخص‌ها: معیشتی، توانمندسازی اقتصادی) بعد فرهنگی (شاخص‌ها: برگزاری دوره‌ها و مسابقات، توانمندسازی فرهنگی) بعد کالبدی (شاخص‌ها: امنیت، دسترسی‌ها، آلودگی‌ها، فضای سبز، طراحی و زیبایی‌شناسی).

نتایج تحقیق

نتایج توصیفی پژوهش، از دیدگاه شهروندان شامل موارد زیر می‌باشد:

بیشترین میزان میانگین بعد اجتماعی، مربوط به گزینه زیاد می‌باشد. یعنی اکثر شهروندان در مجموع سوالات مربوط به بعد اجتماعی، به گزینه زیاد رای داده‌اند. در شاخص احساس تعلق، شهروندان به میزان زیادی به محله خود احساس تعلق خاطر می‌کنند، اما به میزان متوسطی در صورت بهبود وضعیت اقتصادی، تمایل به تغییر محل سکونت خود دارند. در شاخص مشارکت، شهروندان به میزان زیادی در در مساجد، هیئت‌های مذهبی، گروه قرائت قرآن و... شرکت می‌کنند اما به میزان متوسطی در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های مربوط به محله، مشارکت دارند و در برنامه‌های سراهای محله، فرهنگسراها، خانه‌های سلامت و... فعالیت می‌کنند. در شاخص پیوندهای همسایگی، شهروندان به میزان زیادی همسایگان خود را می‌شناسند، اما به میزان متوسطی در صورت بروز مشکل، روی توانایی‌های کمک‌رسانی آنان حساب می‌کنند. در شاخص اعتماد اجتماعی، شهروندان به میزان زیادی نحوه‌ی ارتباط میان ساکنین و مدیران محلات را مثبت می‌بینند، و اعتقاد دارند با اجرای طرح ناحیه محوری تا حدودی زمان پاسخگویی به امور مراجعین کاهش پیدا کرده است.

بیشترین میزان میانگین بعد اقتصادی، مربوط به گزینه زیاد می‌باشد. یعنی اکثر شهروندان در مجموع سوالات مربوط به بعد اقتصادی، به گزینه زیاد رای داده‌اند. در شاخص معیشتی، از نظر شهروندان در این محله فعالیت‌های اقتصادی به میزان زیادی موجود هست؛ اما پاسخگویان به میزان متوسطی مایحتاج روزمره‌شان را از مراکز خرید محلی تأمین می‌کنند. در شاخص توانمندسازی اقتصادی، به میزان زیادی توانمندی‌های ساکنین در اجرای طرح‌های کارآفرینی

توسط مسئولین ناحیه یا محلات شناسایی شده است؛ اما به میزان متوسطی دوره‌های مهارت آموزی جهت اجرای کارآفرینی در سراهای محله یا فرهنگسرا و.. برگزار شده است.

بیشترین میزان میانگین بعد فرهنگی، مربوط به گزینه زیاد می‌باشد. یعنی اکثر شهروندان در مجموع سوالات مربوط به بعد فرهنگی، به گزینه زیاد رای داده‌اند. در شاخص برگزاری دوره‌ها و مسابقات، شهروندان از امکانات فرهنگی (کتابخانه، خانه فرهنگ و...) موجود در محله به میزان زیادی راضی هستند؛ اما به میزان متوسطی از میزان/کیفیت برگزاری مسابقات فرهنگی - هنری رضایت دارند. در شاخص توانمندسازی فرهنگی، خدمات فرهنگی ارائه شده توسط شهرداری، به میزان زیادی توانسته است، در ارتقای سطح تفکرات و فرهنگسازی مثبت میان شهروندان موثر باشد؛ اما به میزان متوسطی اطلاع رسانی درستی در خصوص ارتقای سطح آگاهی عمومی شهروندان (انتشار نشریات محلی و...) توسط ادارات مربوط به نواحی و محلات انجام گرفته است.

بیشترین میزان میانگین بعد کالبدی، مربوط به گزینه زیاد می‌باشد. یعنی اکثر شهروندان در مجموع سوالات مربوط به بعد کالبدی، به گزینه زیاد رای داده‌اند. در شاخص امنیت، از نظر شهروندان، ترافیک عبوری محله (موتورسیکلت و...) که منجر به احساس عدم امنیت هنگام تردد یا پیاده روی در محله می‌شود به میزان زیادی وجود دارد، و زندگی در این محله در حد متوسطی، بدون استرس و همراه با آرامش است. در شاخص دسترسی‌ها، دسترسی محله به خدمات حمل و نقل عمومی (اتوبوس، مینی‌بوس و تاکسی) به میزان زیادی است، اما بهره‌مندی و دسترسی به مراکز تجاری در منطقه به میزان متوسطی است. در شاخص آلودگی‌ها، پاسخگویان به میزان زیادی از نحوه جمع‌آوری زباله و سایر ملزومات حفظ بهداشت در محله رضایت دارند، اما به میزان متوسطی از کیفیت هوای محله خود احساس رضایت می‌کنند. در شاخص فضای سبز، شهروندان به میزان زیادی از پوشش گیاهی (درختان و فضای سبز) در محله خود رضایت دارند، و اعتقاد دارند تعداد پارکها و فضای سبز، با توجه به جمعیت منطقه، تاحدودی کافی و مناسب هستند. در شاخص طراحی و زیبایی‌شناسی، واحدهای مسکونی منطقه به میزان زیادی از حداقل استانداردها، استحکام، تجهیزات و نمای زیبا، بهره‌مندند، و به میزان متوسطی از مبلمان شهری منطقه (نیمکت‌ها، پل‌های عابر پیاده، ایستگاه‌های اتوبوس و تاکسی، سرویس‌های بهداشتی، سطل‌های زباله) احساس رضایت می‌کنند.

نتایج توصیفی پژوهش، از دیدگاه مدیران شامل موارد زیر می‌باشد:

بیشترین میزان میانگین بعد اجتماعی، مربوط به گزینه زیاد می‌باشد. یعنی اکثر مدیران در مجموع سوالات مربوط به بعد اجتماعی، به گزینه زیاد رای داده‌اند. در این شاخص، مدیران به میزان زیادی میزان و نحوه ارتباط میان ساکنین و مدیران محلات را مثبت ارزیابی می‌کنند؛ اما به میزان متوسطی عملکرد شهرداری نواحی و مدیران محلات، را در تقویت حس تعلق خاطر برای ساکنین موثر می‌دانند.

بیشترین میزان میانگین بعد اقتصادی، مربوط به گزینه زیاد می‌باشد. یعنی اکثر مدیران در مجموع سوالات مربوط به بعد اقتصادی، به گزینه زیاد رای داده‌اند. در این شاخص، از نظر مدیران توانمندی‌های ساکنین در اجرای طرح‌های کارآفرینی توسط مسئولین ناحیه یا محلات به میزان زیادی شناسایی شده است.

بیشترین میزان میانگین بعد فرهنگی، مربوط به گزینه تاحدودی می‌باشد. یعنی اکثر مدیران در مجموع سوالات مربوط به بعد فرهنگی، به گزینه تاحدودی رای داده‌اند. در این شاخص، از نظر مدیران خدمات فرهنگی ارائه شده توسط

شهرداری، به میزان زیادی توانسته است، در ارتقای سطح تفکرات و فرهنگسازی مثبت میان شهروندان موثر باشد؛ و اطلاع رسانی درست در خصوص ارتقای سطح آگاهی عمومی شهروندان (انتشار نشریات محلی و...) توسط ادارات مربوط به نواحی و محلات تا حدودی صورت گرفته است.

بیشترین میزان میانگین بعد کالبدی، مربوط به گزینه زیاد می‌باشد. یعنی اکثر مدیران در مجموع سوالات مربوط به بعد کالبدی، به گزینه زیاد رای داده‌اند. در این شاخص، از نظر مدیران وضعیت دسترسی‌ها به (حمل و نقل عمومی، شبکه‌ی بزرگراهی، مراکز تجاری، پارکها و...) را در محله یا ناحیه به میزان بیشتری نسبت به طراحی و زیبایی‌شناسی (طراحی خیابان‌ها، میداين، معابر، ساختمان‌ها، مبلمان شهری و...) را در محله یا ناحیه، دیده می‌شود.

بعد از انجام آزمون نرمال بودن متغیر و ابعاد تحقیق (آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف) و تایید آنها، نتیجه چنین شد که، توزیع داده‌های متغیرهای مذکور نرمال است و آنها آمادگی آزمون تی تک نمونه‌ای و تحلیل واریانس یکطرفه را برای سنجش فرضیات دارند.

- آزمون فرضیات پژوهش

جهت بررسی فرضیات تحقیق می‌بایست آزمون آماری مناسب را انتخاب کرد. آزمون تی یک نمونه‌ای برای متغیرهای کمی و فرضیات توصیفی بکار برده می‌شود؛ که به بررسی تفاوت‌های میان متغیرها می‌پردازد. لذا متغیرهای مورد بررسی در خصوص فرضیه ۱، از طریق آزمون تی یک نمونه‌ای مورد سنجش قرار گرفت. برای آزمون فرضیه شماره ۲، از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه جهت آزمایش تفاوت‌های بین گروه‌های مختلف داده‌ها، استفاده شد.

۱- نتایج فرضیات از نظر شهروندان

*فرضیه شماره ۱: به نظر می‌رسد در میزان تاثیرگذاری ابعاد و شاخص‌های طرح ناحیه محوری در منطقه ۱۵ شهر تهران، تفاوت معناداری وجود داشته باشد.

برای سنجش متغیر ابعاد طرح ناحیه محوری (بعد اجتماعی، بعد اقتصادی، بعد فرهنگی و بعد کالبدی)، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است.

جدول شماره ۲

نام متغیر	شاخص‌ها یا ابعاد	مقدار آزمون تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری (sig)	میانگین	تفاوت میانگین	سطح اطمینان ۹۵ درصد	تعداد کل
بعد اجتماعی		135.958	۳۸۳	۰,۰۰	69.35	66.346	حد پایین	۳۸۴
							حد بالا	
بعد اقتصادی		91.723	۳۸۳	۰,۰۰	24.83	21.826	حد پایین	۳۸۴
							حد بالا	
بعد فرهنگی		77.022	۳۸۳	۰,۰۰	31.67	28.674	حد پایین	۳۸۴
							حد بالا	
بعد کالبدی		108.702	۳۸۳	۰,۰۰	94.82	91.820	حد پایین	۳۸۴

منبع: یافته‌های پژوهش

تفسیر

در جدول شماره ۲، آزمون تی تک نمونه‌ای بر روی ۳۸۴ نفر از شهروندان ساکن در منطقه ۱۵ تهران، انجام شد که با توجه به اینکه سطوح معنی‌داری (sig) پایین‌تر از ۰,۰۵ است، و حدهای بالا و پایین در آزمون، که هر دو مثبت می‌باشند، فرضیه صفر رد، و فرضیه یک تایید می‌شود. در واقع می‌توان گفت که تفاوت معناداری میان ابعاد

اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی طرح ناحیه محوری در منطقه ۱۵ تهران وجود دارد. بیشترین تاثیر را بعد کالبدی و سپس اجتماعی، و به ترتیب ابعاد فرهنگی و اقتصادی در طرح ناحیه محوری منطقه داشته‌اند.

*فرضیه شماره ۲: به نظر می‌رسد در میزان تاثیرپذیری نواحی ۷ گانه منطقه ۱۵ شهر تهران، از طرح ناحیه محوری تفاوت معناداری وجود داشته باشد.

متغیر میزان تاثیرپذیری نواحی منطقه ۱۵ شهر تهران، از طرح ناحیه محوری به چهار بعد و ۷ ناحیه تقسیم شده است:

ابعاد: ۱ - اجتماعی ۲ - اقتصادی ۳ - فرهنگی ۴ - کالبدی

برای سنجش این متغیر از «تحلیل واریانس یکطرفه» استفاده شده است؛ که به بررسی تفاوت‌های موجود در بین میانگین‌های گروه‌های مورد مطالعه می‌پردازند.

جدول شماره ۳

ابعاد طرح ناحیه محوری نواحی ۷ گانه	واریانس گروه‌ها	مجذور میانگین	درجه آزادی	آزمون F	سطح معنی‌داری
اجتماعی	واریانس بین گروهی	52.073	۳۸۳	۰.566	۰.758
	واریانس درون گروهی	34710.497			
اقتصادی	واریانس بین گروهی	3.923	۳۸۳	۰.178۰	۰.983
	واریانس درون گروهی	8303.772			
فرهنگی	واریانس بین گروهی	24.082	۳۸۳	۰.449۰	۰.846۰
	واریانس درون گروهی	20239.817			
کالبدی	واریانس بین گروهی	62.964	۳۸۳	۰.227۰	۰.968۰
	واریانس درون گروهی	104560.815			
		277.350			

منبع: یافته‌های پژوهش

*تفسیر

در جدول شماره ۳، تحلیل واریانس یکطرفه بر روی ۳۸۴ نفر از شهروندان ساکن در نواحی ۷ گانه منطقه ۱۵ تهران، انجام شد؛ با توجه به اینکه سطوح معنی‌داری (sig) بالاتر از ۰,۰۵ است، فرض صفر H_0 تایید و فرض یک H_1 رد می‌شود؛ در واقع نشان دهنده این است که در میزان تاثیرپذیری نواحی ۷ گانه منطقه ۱۵ شهر تهران، از طرح ناحیه محوری تفاوت معناداری وجود ندارد. درواقع اختلاف و تفاوت معناداری میان نواحی، در تاثیرپذیری از ابعاد طرح ناحیه محوری وجود ندارد.

- نتایج فرضیات از نظر مدیران

*فرضیه شماره ۱: به نظر می‌رسد در میزان تاثیرگذاری ابعاد و شاخص‌های طرح ناحیه محوری در منطقه ۱۵ شهر تهران، تفاوت معناداری وجود داشته باشد. برای سنجش متغیر ابعاد طرح ناحیه محوری (بعد اجتماعی، بعد اقتصادی، بعد فرهنگی و بعد کالبدی)، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است.

جدول شماره ۴

نام متغیر	شاخص‌ها یا ابعاد	مقدار آزمون تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری (sig)	میانگین	تفاوت میانگین	سطح اطمینان ۹۵ درصد	تعداد کل
ابعاد طرح ناحیه محوری	بعد اجتماعی	36.444	۴۹	۰,۰۰	22.20	19.200	حد پایین 18.14 حد بالا 20.26	۵۰
	بعد اقتصادی	6.137	۴۹	۰,۰۰	3.74	.740	.50	۵۰
	بعد فرهنگی	30.654	۴۹	۰,۰۰	6.72	3.720	3.48	۵۰
	بعد کالبدی	44.377	۴۹	۰,۰۰	18.36	15.360	14.66	۵۰

منبع: یافته‌های پژوهش

تفسیر

در جدول شماره (۱)، آزمون تی تک نمونه‌ای بر روی ۵۰ نفر از مدیران نواحی منطقه ۱۵ تهران، انجام شد که با توجه به اینکه سطوح معنی‌داری (sig) پایین‌تر از ۰,۰۵ است، و حدهای بالا و پایین در آزمون، که هر دو مثبت می‌باشند، فرضیه صفر رد، و فرضیه یک تایید می‌شود. در واقع می‌توان گفت که تفاوت معناداری میان ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی طرح ناحیه محوری در منطقه ۱۵ تهران وجود دارد. بیشترین تاثیر را بعد اجتماعی و سپس کالبدی، و به ترتیب ابعاد فرهنگی و اقتصادی در طرح ناحیه محوری منطقه داشته‌اند.

*فرضیه شماره ۲: به نظر می‌رسد در میزان تاثیرپذیری نواحی ۷ گانه منطقه ۱۵ شهر تهران، از طرح ناحیه محوری تفاوت معناداری وجود داشته باشد.

متغیر میزان تاثیرپذیری نواحی منطقه ۱۵ شهر تهران، از طرح ناحیه محوری به چهار بعد و ۷ ناحیه تقسیم شده است:

ابعاد: ۱- اجتماعی ۲- اقتصادی ۳- فرهنگی ۴- کالبدی

برای سنجش این متغیر از «تحلیل واریانس یکطرفه» استفاده شده است؛ که به بررسی تفاوت‌های موجود در بین میانگین‌های گروه‌های مورد مطالعه می‌پردازد.

جدول شماره ۵

ابعاد طرح ناحیه محوری نواحی ۷ گانه	واریانس گروه‌ها	مجذور میانگین	درجه آزادی	آزمون F	سطح معنی‌داری
اجتماعی	واریانس بین گروهی	178.814	۴۹	2.557	۰,۰۳۳
	واریانس درون گروهی	11.655			
اقتصادی	واریانس بین گروهی	8.491	۴۹	۲۴۳,۲	۰,۰۵۱
	واریانس درون گروهی	۰.631			
فرهنگی	واریانس بین گروهی	7.909	۴۹	۰,۱۲,۲	۰,۰۵۰
	واریانس درون گروهی	۰.655			
کالبدی	واریانس بین گروهی	64.706	۴۹	۰,۲۷,۲	۰,۰۴۵
	واریانس درون گروهی	5.321			

منبع: یافته‌های پژوهش

*تفسیر

در جدول شماره ۵، تحلیل واریانس یکطرفه بر روی ۵۰ نفر از مدیران در نواحی ۷ گانه منطقه ۱۵ تهران، انجام شد؛ با توجه به اینکه سطوح معنی‌داری (sig) پایین‌تر و مساوی ۰,۰۵ است، فرض صفر H_0 رد و فرض یک H_1 تایید می‌شود؛ در واقع نشان‌دهنده این است که در میزان تاثیرپذیری نواحی ۷ گانه منطقه ۱۵ شهر تهران، از طرح ناحیه محوری تفاوت معناداری وجود دارد. در واقع اختلاف و تفاوت معناداری میان نواحی، در تاثیرپذیری از ابعاد طرح ناحیه محوری وجود دارد؛ که بعد از تحلیل تفاوت‌ها موارد به صورت زیر مشخص گردید:

در بعد اجتماعی: ناحیه ۱ و ۳ تاثیرپذیری بیشتری نسبت به ناحیه ۲ داشته‌اند و تفاوت معناداری در بقیه نواحی در میزان تاثیرپذیری از بعد اجتماعی طرح ناحیه محوری، دیده نمی‌شود.

در بعد فرهنگی: ناحیه ۴ تاثیرپذیری بیشتری نسبت به نواحی ۱، ۲ و ۶ داشته است و تفاوت معناداری در بقیه نواحی در میزان تاثیرپذیری از بعد فرهنگی طرح ناحیه محوری، دیده نمی‌شود.

در بعد کالبدی: نواحی ۲، ۳ و ۵، بیشترین تاثیرپذیری را نسبت به ناحیه ۶ داشته‌اند و تفاوت معناداری در بقیه نواحی در میزان تاثیرپذیری از بعد کالبدی طرح ناحیه محوری، دیده نمی‌شود.

در بعد اقتصادی: نواحی ۱، ۳، ۴ و ۵، بیشترین تاثیرپذیری را نسبت به ناحیه ۲ داشته‌اند و تفاوت معناداری در بقیه نواحی در میزان تاثیرپذیری از بعد اقتصادی طرح ناحیه محوری، دیده نمی‌شود.

به طور کلی می‌توان گفت که بیشترین تاثیرپذیری از طرح ناحیه محوری، به ترتیب مربوط به ناحیه شماره ۴، سپس ناحیه ۳، در آخر هم نواحی ۵ و ۱، می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر آثار طرح‌های شهری بر زندگی روزمره شهروندان ساکن این منطقه از جنبه‌های اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و کالبدی بررسی گردید. بنابراین، با توجه به اجرای طرح‌های شهری میزان رضایتمندی افراد ساکن در منطقه ۱۵ از محل سکونت خود مورد سنجش قرار گرفت. این که آیا فرد در محله خودش از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی با توجه به اجرای طرح‌های شهری احساس رضایت می‌کند یا نه؟ و آیا از تسهیلات و تجهیزات شهری مورد نیاز بهره‌مند می‌باشد؟ در شاخص‌های تحقیق ابعاد مهم و تاثیرگذار در نظر گرفته شد. در تحلیل توصیفی ابعاد پژوهش، میزان شناخت و رضایت شهروندان و مدیران در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی به میزان زیادی است. اما در بحث بعد فرهنگی، شهروندان به گزینه زیاد و مدیران به گزینه تا حدودی متوسط رای داده‌اند.

برای سنجش فرضیه اول در پرسشنامه شهروندان، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. بعد از سنجش، فرضیه شماره ۱ تایید شد؛ در واقع می‌توان گفت که تفاوت معناداری میان ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی طرح ناحیه محوری در منطقه ۱۵ تهران وجود دارد. بیشترین تاثیر را بعد کالبدی و سپس اجتماعی، و به ترتیب ابعاد فرهنگی و اقتصادی در طرح ناحیه محوری منطقه از نظر شهروندان داشته‌اند.

جهت سنجش فرضیه دوم در پرسشنامه شهروندان، از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شده است؛ که به بررسی تفاوت‌های موجود در بین میانگین‌های گروه‌های مورد مطالعه می‌پردازند. بعد از سنجش، فرضیه شماره ۲ مورد تایید قرار نگرفت؛ در واقع نشان دهنده این است که از نظر شهروندان در میزان تاثیرپذیری نواحی ۷ گانه منطقه ۱۵ شهر تهران، از طرح ناحیه محوری، تفاوت معناداری وجود ندارد.

بیشترین تاثیرات مولفه‌های ابعاد طرح ناحیه محوری بعد مربوط به بعد اجتماعی، مولفه " مشارکت " می‌شود؛ و کمترین تاثیرات مربوط به بعد فرهنگی، مولفه " توانمندسازی فرهنگی " می‌گردد.

برای سنجش فرضیه اول در پرسشنامه مدیران، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. بعد از سنجش، فرضیه شماره ۱ تایید شد؛ در واقع می‌توان گفت که تفاوت معناداری میان ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی طرح ناحیه محوری در منطقه ۱۵ تهران وجود دارد. بیشترین تاثیر را بعد اجتماعی و سپس کالبدی، و به ترتیب ابعاد فرهنگی و اقتصادی در طرح ناحیه محوری منطقه از نظر مدیران داشته‌اند.

جهت سنجش فرضیه دوم در پرسشنامه شهروندان، از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شده است؛ که به بررسی تفاوت‌های موجود در بین میانگین‌های گروه‌های مورد مطالعه می‌پردازند. بعد از سنجش، فرضیه شماره ۲

مورد تایید قرار گرفت؛ در واقع نشان دهنده این است که در میزان تاثیرپذیری نواحی ۷ گانه منطقه ۱۵ شهر تهران، از طرح ناحیه محوری تفاوت معناداری وجود دارد. در واقع اختلاف و تفاوت معناداری میان نواحی، در تاثیرپذیری از ابعاد طرح ناحیه محوری وجود دارد؛ که بعد از تحلیل تفاوت‌ها موارد به صورت زیر مشخص گردید:

به طور کلی می‌توان گفت که بیشترین تاثیرپذیری از طرح ناحیه محوری، به ترتیب مربوط به ناحیه شماره ۴، سپس ناحیه ۳، در آخر هم نواحی ۵ و ۱، می‌باشد.

به طور کلی نظام مدیریت شهری در ایران در طول سی سال گذشته مراحل مختلفی را طی کرده و به تدریج از مدیریت متمرکز دولتی به مدیریت مشارکتی و تعامل گرا تمایل نشان داده است. در برنامه‌ریزی سنتی، تضمین اجرای برنامه‌های توسعه شهری، اقتدار حکومتی بوده، به عبارت دیگر در این نوع برنامه‌ریزی، ابزار در اختیار دولتمردان حکومت مرکزی بوده و مجال هیچ نوع پرسش و پاسخ برای شهروندان و مجریان (نهادهای محلی) وجود نداشت. در واقع در الگوی برنامه‌ریزی سنتی که مختص کشورهای در حال توسعه بوده، دولت‌های مرکزی مستقیماً در اداره شهر دخالت داشته و وظایفی را که جنبه محلی دارد و از جنس تصدی‌گری است دولت‌ها انجام می‌دهند (حاجیان و سیفایی، ۱۳۹۱) که این موضوع در ادوار تاریخی مختلف ایران نیز مشهود بوده است. پس به تجربه در طول چندین دهه گذشته ثابت شده است که الگوی کنونی مدیریت شهری در ایران با وظایف و اختیارات محدود توانایی پاسخگویی و پرداختن به مسائل و مشکلات و نیازهای روزافزون شهرها را ندارد. (محمدی، ۱۳۸۷: ۳۲-۳۳)

در نتیجه برای غلبه بر این مشکلات و رسیدن به توسعه پایدار، لزوم تغییر در شیوه مدیریت شهرها، علی‌الخصوص کلانشهرها به وضوح احساس می‌شود. این امر مستلزم پذیرش شهر به صورت یک سیستم پویا و در نتیجه اتخاذ نگرش مدیریت یکپارچه شهری است.

پیشنهادات

- تقویت انسجام اجتماعی با محوریت محله‌های قدیمی در این منطقه جهت تحقق مشارکت واقعی، پویا، فعال و معنادار ساکنان نواحی.
- تقویت روحیه مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به محله در خانه‌های سلامت، فرهنگسراها و سراهای محلات...
- ایجاد همبستگی بر اساس تعلقات مشترک افراد ساکن در این منطقه جهت جلب مشارکت عمومی در سطح محله
- تقویت حس تعلق خاطر در شهروندان و هویت اجتماعی شهر
- بهبود خدمات در حوزه‌ی ناحیه محوری.
- ایجاد نظام انگیزشی مناسب به منظور ترغیب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برای مشارکت بهینه و کارآمد در طرح‌های شهری.
- تشویق و بسترسازی مناسب برای خرید مایحتاج روزمره زندگی شهروندان از مراکز خرید محلی.
- افزایش دوره‌های اجرای کار آفرینی در سراهای محلات یا فرهنگسراها.
- افزایش کیفیت و برگزاری مسابقات فرهنگی-هنری در حوزه‌ی محلات و منطقه.
- اطلاع‌رسانی در خصوص ارتقای سطح آگاهی عمومی شهروندان (انتشار نشریات محلی و...) توسط ادارات مربوطه.

-افزایش فضاهای سبز و پارکها با توجه به جمعیت منطقه.

- بهره‌مندی از سرمایه‌های انسانی متخصص و کاربرد دانش و تجارب فنی و مدیریتی ساماندهی محیط شهری

منابع

- ایبانه، نادی (۱۳۸۵)، نظام‌نامه جامع آموزش و مشارکت‌های شهروندی، جلد اول، تهران
- ایوانس، باب و همکاران (۱۳۹۰)، اداره شهرهای پایدار، ترجمه غلامرضا کاظمیان و خدر فرج کرده، انتشارات پرهام نقش برک پور، ناصر و اسدی، ایرج (۱۳۹۰)، مدیریت و حکمروایی شهری، انتشارات دانشگاه هنر
- بهرامی، رحمت الله و مرصوصی، نفیسه (۱۳۸۹)، توسعه پایدار شهری، تهران، دانشگاه پیام نور
- ترنر، مارک و هیوم، دیوید (۱۳۷۹)، حکومتداری، مدیریت و توسعه، ترجمه عباس منوریان، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی
- حاجیان، ابراهیم و سیفایی، مهسا (۱۳۹۱)، شوراها و نسبت آن با مدیریت شهری، همایش هم اندیشی شوراها و مدیریت محلی در افق چشم انداز
- رضویان، محمدتقی (۱۳۸۱)، برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری، انتشارات منشی
- رفعیان، مجتبی و حسین پور، علی (۱۳۹۰)، "حکمرانی خوب شهری از منظر نظریات شهرسازی"، انتشارات طحان (هله)
- شیخ الاسلامی، علیرضا و همکاران (۱۳۸۸)، ارزیابی توسعه پایدار شهری کلانشهر شیراز، فصلنامه جغرافیایی چشم انداز زاگرس، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۸
- صراف، مظفر (۱۳۷۹)، مفهوم، مبانی و چالش‌های مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره دوم، تابستان
- قالیباف، محمد باقر (۱۳۸۹)، حکومت محلی یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران، تهران، انتشارات امیر کبیر
- محمدی، کاوه (۱۳۸۷)، مدیریت شهری یکپارچه و اهداف ایران ۱۴۰۰، ماهنامه شهرداری‌ها، سال نهم، شماره ۹۲
- معصومی، سلمان (۱۳۹۰)، توسعه محله‌ای در راستای پایداری کلانشهر تهران، انتشارات جامعه و فرهنگ (معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران)
- مقیم، سید محمد، اداره امور حکومت‌های محلی، تهران، چاپ سوم، سازمان مطالعه و تدوین سمت، چاپ پنجم ۱۳۹۰
- ملکی، سعید (۱۳۸۲)، شهر پایدار و توسعه پایدار شهری، فصلنامه علمی - پژوهشی مسکن و انقلاب، شماره ۱۰۲
- Litvack , Jennie , and Junaid Ahmad and Richard Bird ,1998 , Rethinking Decentralization in Developing Countries. Washington DC: World Bank.
- UN-HABITAT (2002) , The Global Campaign on Urban Governance: Concept Paper , New York: UN, 2002, Available at: WWW. Unhabitat. org / governance